



درس بیست و دوم



واژگان درس

تقرین :	التدريب	نشسته :	جالساً
خواهیده :	مستلقياً	چشم :	العين
گوش :	الأذن	دهان :	الفم
صورت :	الوجه	سر :	الرأس
زبان :	اللسان	دست :	اليـد
پا :	الرجـل	صداها :	الأصوات
ماهیچه :	العـضلة		

ساختارهای گفتاری درس

ورزش گرم کردن بدن :	رياضة تحمیه
روی تخته دراز بکش :	إستلقِ على الخشبة
بهتره :	من الأفضل
نفس می کشیم :	نتنفس
کفش می پوشیم :	نلبس الحذاء
تقویت می کنی :	تقوي
اعضاء بدن :	أعضاء الجسم



ورزش کردن

محسن: حسن آقا فیلم بازی نکن! بلند شو بریم تمرین کنیم.

حسن: چطور اینجا آمدم!

محسن: اینجا سالن بدنسازی محله ماست در هفته سه روز برای تمرین و ورزش می توانیم به اینجا بیاییم.

حسن: هماهنگ کردی؟

محسن: بله

محسن: این دمبل است.

مرد: این کار شما اشتباه است.

مرد: اول شما باید خودتان را گرم کنید.

حسن: گرم کنید یعنی چه؟

مرد: اول باید خودتان را گرم کنید بعد از تمرین های نشسته و حتی خوابیده شروع کنید. لطفاً شما روی تخته

بخواید.

مرد: شما با این تمرین ماهیچه های ساعد و کتف خود را تقویت می کنید، شما خیلی ضعیف هستید.



اعضای بدن

محسن: آیا اسم اعضاء بدن را بلدی؟

حسن: بعضی ها را بلدم مثل سر، دست، پا، چشم ...

محسن: چشم ها کجا قرار دارد؟

حسن: چشم ها در صورت قرار دارد ما دو چشم داریم.

محسن: آفرین با گوش چه می کنیم؟

حسن: با گوش صداها را می شنویم.

محسن: چند تا دست داریم؟

حسن: ما دو تا دست داریم با دستهایمان می نویسیم.

محسن: بهتره بگی با دستانتان.

حسن: با پاهایمان راه می رویم.

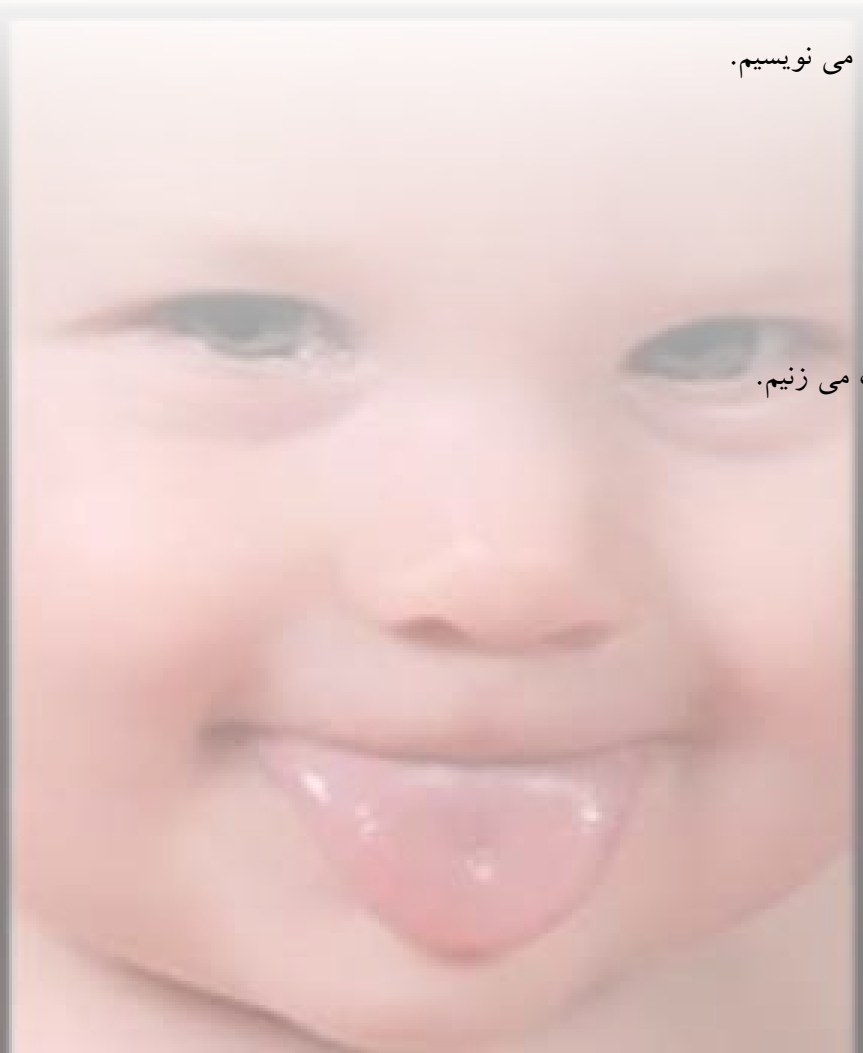
محسن: به پایمان کفش می پوشیم.

حسن: با دهانمان غذا می خوریم و حرف می زنیم.

محسن: و نفس می کشیم.

حسن: نفس می کشیم یعنی چه؟

محسن: یعنی (نتنفس).



۱. حسن و محسن در کجا تمرین می کنند؟

۲. هفته ای چند روز می توانند به باشگاه بیایند؟

۳. اول باید چه کاری انجام دهند؟

۴. این تمرین ها چه فایده ای برای حسن و محسن داشت؟

۵. چشم ها کجا قرار دارد؟

۶. گوش چه کاری انجام می دهد؟

۷. ما چند دست داریم؟

۸. با کدام عضو خود راه می رویم؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. دستان خود را بشوئید. (اغسلوا أيديكم)

۲. من پیاده به مدرسه می روم. (أنا أذهب إلى المدرسة ماشياً.)

۳. دهانت را باز کن. (افتح فمك.)

۴. صدای شما را نمی شنوم. (لا اسمع صوتك)

۵. چشمانت را ببند. (أغضض عينيك)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

چشم - گوش - پا - زبان - بینی - دست



الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

- | | | | |
|-----------------------------------|---|---------------------------|---|
| ۱. شما خیلی ضعیف هستید. | • | ۶. قووا اجسامکم بالرياضة. | • |
| ۲. ما برای ورزش اینجا می آییم. | • | ۷. تنفس في الهواء الطلق. | • |
| ۳. در محله ما باشگاه ورزشی هست. | • | ۸. أنت نحيف جداً. | • |
| ۴. در هوای آزاد تنفس کنید. | • | ۹. في حینا ناد رياضي. | • |
| ۵. بدن خود را با ورزش تقویت کنید. | • | ۱۰. نأتي هنا للرياضة. | • |

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. ما هر روز صبح برای ورزش به باشگاه می روید. _____
۲. ورزش برای سلامتی مفید هست. _____
۳. چشمان خود را باز کرد و به حیاط نگاه کردم. _____
۴. صدای شما را می شنوم. _____
۵. با پاهایمان راه می روید. _____
۶. من ورزش را نشسته انجام می دهیم. _____
۷. هفته آینده دانش آموزان امتحان دارید. _____
۸. صداها را با گوشمان می شنویم. _____

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

چشم	•	مَشِي
کفش	•	تَحْمِيَة
نفس کشیدن	•	عَضَلَات
ماهیچه ها	•	يَد
دست	•	تَدْرِيب رياضي
راه رفتن	•	تَنْفَس
تمرین ورزشی	•	حِذَاء
گرم کردن	•	عَيْن

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

راه رفتن	_____	سرد	_____
قوی	_____	ایستادن	_____
باز کردن	_____	بیرون آوردن	_____
گرم	_____	ضعیف	_____
پوشیدن	_____	بستن	_____

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. تمرین کردن : _____
۲. هفته : _____
۳. نشسته : _____
۴. سر : _____
۵. دست : _____

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. انجام - این - ورزشی - تمرین - بده - تمرین - را - های. _____
۲. به - تمرین - باشگاه - برای - برویم. _____
۳. غذا - ما - دهان - می خوریم - با - مان. _____
۴. انسانی - دو - هر - تا - دارد - گوش. _____
۵. دست - به - من - خود - بدهید - را. _____

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

مرد: من _____ مختلف _____ انسان را توضیح می دهم _____ که شامل _____ مو، گوش، بینی، _____
 لب پایین، لب _____، سبیل، ریش، زبان، چانه، _____ ابرو، مژه، گونه، دهان، گردن، _____ سینه، کمر و
 دست ها می باشد. دست ها _____ بازو، آرنج، ساعد، _____ انگشتان می باشد.

الاعداد (۳)

العدد فوق العشرين إلى المائة يكفى فيه ان نضيف الواحد إلى التسعة إلى العقود.

(۲۰) بیست - (۳۰) سی - (۴۰) چهل - (۵۰) پنجاه - (۶۰) شصت - (۷۰) هفتاد - (۸۰) هشتاد

- (۹۰) نود

(۲۱) بیست و یک - (۳۲) سی و دو - (۴۳) چهل و سه و

امثلة:

۱ - من سی کتاب دارم. (عندي ثلاثون كتاباً).

۲ - بیست و سه دانش آموز در کلاس هستند. (في الصف ثلاثة و عشرون تلميذاً).

۳ - پدرم پنجاه و پنج سال سن دارد. (عمر أبي خمسة و خمسون عاماً).

۴ - شصت روز قبل برگشتم. (رجعت قبل ستين يوماً).

۵ - دندانهای من سی و چهار تاست. (اسناني اربع و ثلاثون)

۶ - در پارک هفتاد و پنج درخت هست. (في المتنزه خمس و سبعون شجرة).